



۲۸ دسمبر ۲۰۱۵



داکتر عبدالرحمن زمانی

قیام سال ۱۳۲۴ صافی های کُتر

(قسمت هشتم)

اوضاع منطقه کُتر قبل از قیام صافی ها

در قسمت های قبلی دیده شد که صدراعظم هاشم خان بعد از ناکامی تلاش هایش برای قبولاندن سیستم جدید مکلفیت عسکری بر چهار قوم بزرگ سمت مشرقی (خوگیانی، شینواری، مهمند و صافی) مجبور شد تا در جرگه بزرگ این اقوام اعلام کند که پلانش را در حال حاضر به تعویق می اندازد. به تعقیب آن شاه هم با صدور فرمانی این اقوام سمت مشرقی را از جلب مکلفیت عسکری به سیستم جدید مستثنی قرار داد. اما هاشم خان برخلاف وعده خودش و فرمان شاه، با مردم کُتر برخورد کاملاً جداگانه را در پیش گرفت و به پالیسی تبعیضی، انتقام جویانه و ظالمانه اش علیه مردم کُتر ادامه داد. او قبل از بازگشت به کابل یک بار دیگر جرگه اختصاصی اقوام کُتر را دایر و خواست با تهدید و فشار خواست هایش را بر آنها بقبولاند.

الحاج محمد ارسلان زمانی، پسر غازی میرزمان خان کُتری، که با یک برادر و پسر کاکیش درین جرگه حضور داشتند، حکایت میکنند که «جرگه بزرگی در سالون باغ شاهی جلال آباد دایر شده بود. در آغاز مجلس، سردار محمد هاشم خان در حالیکه یکطرفش سید عباس پاچا حاکم کلان کُتر ها و طرف دیگرش سید عبدالرزاق پاچا معروف به پاچای شال (برادر سید شمس الدین خان مجروح) ایستاده بودند سخنانش را آغاز و به اشتراک کنندگان مجلس اخطار داد که از دستگیر او سرپیچی نکنند. او علاوه کرد که شرایط امروز با دوران میرزمان خان فرق دارد. حکومت افغانستان با اسلحه عصری مجهز بوده و دارای تانک و توپ و ماشیندار و طیاره های جنگی میباشد. دعا کنید که خداوند شما را از قهر و غضب حکومت در امان داشته و این اسلحه علیه شما استعمال نشود. با شنیدن این جملات، ملک ماموند خان یکی از بزرگان قوم صافی از دره «دیوه گل» کُتر احساساتی شده با عصبانیت به پا خواست. کسانی که در اطرافش نشسته بودند، کوشیدند مانع او شوند، درین گیرودار لنگی ملک ماموند خان هم بر روی شانه هایش افتاده اما او لب به اعتراض نکشود. سردار هاشم خان هاشم خان صحبت "ملک ماموند خان" را قطع نموده بر او صدا زد که ملک ماموند خان بنشین! مگر ملک مذکور بیشتر عصبانی و احساساتی شده به سخنانش ادامه داد گفت اگر من بنشینم، پس چه کسی صحبت خواهد کرد؟ میخواهیدمیا و ملا صحبت کنند؟ سید عبدالرزاق پاچا درین جا با عجله و مهارت خاصی برای جلوگیری از تشنج و رسوائی بیشتر صدا زد که لذتی که در عفو است در انتقام نیست، و اعلام نمود که صدراعظم صاحب مجلس را در همین جا ختم میکند».

مشکلات و شکایات اقوام کُتر

قابل یادآوریست که مردم کُتر قبل ازین چندین بار کوشیده بودند از ظلم و فشار مامورین، بیگار، مکلفیت جبری عسکری به سیستم جدید، خریداری و حواله های غله، مالیه گزاف سه کوتاه و چهل یک مواشی، به اولیای امور شکایت کنند، اما

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

شکایات شان به جایی نرسیده بود. آقای عبدالملک کُزری ساپی (صافی) در مضمون تحقیقی اش تحت عنوان «د کونر د ساپو جگره» یا «جنگ صافی های کُز» راجع به سوابق تلاش ها و شکایات کُزری ها مینویسد که «در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی، وقتی ظلم و فشار حکمرانان محلی شدت یافت، و مردم کُز دیگر تاب تحمل آنرا نداشتند، تمام صافیان کُز جرگه نموده و فیصله کردند تا «ملک ماموند خان صافی»، که بزرگ قوم و مورد احترام همه بود، به جلال آباد رفته و مشکلات را به گوش مقامات برساند.

طبق فیصله جرگه، ملک ماموند به جلال آباد رفت و ضمن دیدار با سردار داود خان و والی ننگرهار برای آنها گفت: محترما! در کُزها، چی در ساحه ملکی و چی در ساحه نظامی بالای ما ظلم های رنگارنگ، رشوتخوری و انواع بیگاری صورت میگیرد. شدت این فشارها بر مردم ما بسیار زیاد است. اما در مورد این شکایات از طرف مقامات هیچ اعتنای صورت نگرفت. ملک ماموند متأثر از این بر خورد همراه با همراهانش دو باره به کُز بر گشت.

بعد از بازگشت، نامبرده ضمن دید وادید با بزرگان کُز بتاريخ ۲۱ سنبله ۱۳۲۳ در "پلار دره دیوه گل" جرگه دیگر قومی را بره انداختند. در این جرگه از سراسر کُز افراد ذیل اشتراک نموده بودند:

1. میر سلام خان، رحیم دلخان، داوا جان و سید انشا از دره بادیل
2. ملک ماموند، میرزا عبدالکریم خان و ملک گلزار از دره دیوه گل
3. مولوی ابا خان، الله خان و ملک دائین از دره مزار
4. ملک شاد نور و دلاور خان از دره نور
5. عبدالجلال خان از دره شونکری
6. محمد صفدر خان، سید ستار خان، حاجی غلام عمر خان، وکیل محمد سید، محمد شاه خان، محمد جمال، و ملک عظیم خان از ساکنین دره پیچ.

این بزرگان ضمن ده روز جرگه و صحبت های زیاد، بتاريخ اول ماه میزان فیصله نمودند که یکبار دیگر فریاد و استغاثه خویش را با مقامات حکومتی وقت در میان گزارند. طبق فیصله، هیئت هفت نفری به شمول ملک ماموند، محمد صفدر خان، عبدالجلال خان، میرزا عبدالکریم خان، مولوی ابا خان، میر سلام خان و حاجی غلام عمر خان به تاریخ هفتم میزان به ساعت ۹ صبح نزد عبدالله خان به جلال آباد رفتند. عبدالله خان بعد از دیدار برایشان گفت: فردا بیائید که هم صدراعظم هاشم خان و هم داود خان از کابل آمده اند.

آنها فردا به تاریخ هشتم میزان در باغ [شاهی] غازی امان الله خان با هاشم خان صدراعظم، سردار داود خان، جنرال سید عالمشاه خان و عبدالله خان ملاقات نمودند. ملک ماموند ضمن صحبتی اظهار داشت:

"محترما ما در پشتو ضرب المثلی داریم که میگویند (یک بام و دو هوا) در تمام مملکت یک قانون و بالای ما قانون دیگری تطبیق میگردد. ما از زمانه های دور تا امروز از هر هشت نفر یک نفر عسکر داده ایم و بعد از این نیز خواهیم داد و چنین قانونی بالای ما اجرا میشود. ما رعیت حکومت هستیم. بالای ما چار دوره عسکری از سن ۱۸ تا ۲۷ سالگی بی مورد و ناموجه است. کدام حمله خارجی یا اغتشاش داخلی صورت نگرفته است که از ما چنین تعدادی را میخواهید، اگر چنین حمله صورت گیرد ما حاضریم. از طرف دیگر بالای ما قسم، قسم بیگاری، رشوتخوری، چار چند مالیات، چیلک [چهل یک] و کدام و چنین چیز های به یکبارگی عمل نا درست است".

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

جنرال میراحمد خان مولائی قوماندان فرقه مشرقی هم در خاطرات شان از شکایات مردم گنر چندین بار یادآوری نموده، که درین جا از دو نمونه آن یادآوری میشود:

« در آخر برج ثور برای دیدن قطعات شنوار و گنر ها حرکت کردم . در تمام دره جات گنر ها اوضاع خوب نبود. مخصوصاً مردمان صافی یک نوع مغرور و بی باک دیده میشد. در بابر به خانه محمد علی که دوست من بود، نشسته بودم، در وقت نان خوردن دو نفر صافی های بادیل که پسان ها معلوم شد میرسلام و قاسم برادرش بود، موجود بودند. میرسلام که یک شخص فهمیده ولی از حکومت شکایت داشت، نه تنها از اجراءات مشرقی، بلکه از مرکز هم متاثر بود. گفتم چطور با بودن من صریحاً از حکومت شکایت و کلمات نادرست استعمال میکنی؟ گفت : حکومت از حال ما مردم صافی خبر نیست، همه مردم برهنه و فاقه مانده و به حال نیمه وحشی به سر می برند»¹.

جنرال میراحمد خان در یک جای دیگر خاطره سفر گنر ها با سردار محمد داؤد خان را ذکر نموده مینویسد «در حین بازگشت به رباط چوکی که نفر های دیوه گل و بادیل و خود چوکی جمع شده بودند در اطراف ملک ماموند و بعضی ریش سفید های صافی، بعضی شکایت ها از طرف حکومت و پیش آمد مامورین نمودند، [داؤد خان] خوشش نیامد، اگر چه میخواست برای گرفتاری ملک ماموند و حیدر خان امر بدهد، عرض کردم شما به حیث مهمان آمده اید، فعلاً خوب نیست»².

آماده گی برای سرکوب مسلحانه مردم گنر

به دنبال دستگیری ملک قیس، یکی از پرنفوذترین سران قوم خوگیانی، حکومت به شدت نگران اوضاع سمت مشرقی و ناظر عکس العمل اقوام دیگر بود. صدراعظم هاشم خان به نایب الحکومه سمت مشرقی دستور داد تا درین رابطه راپورهای روزمره اش را تقدیم کند. حکومت با فرستادن پیغام های به سران قومی خوگیانی و قوم مجاور شینواری شان، که از استعمال طاقت عسکری نا راحت و خودشان نیز احساس خطر مینمودند، احوال داد که ملک قیس و خانواده اش مصئون بوده و با ایشان رفتار خوب صورت میگردد. حکومت همچنان برای نظارت از اوضاع تعدادی از مامورین استخباراتش را به مشرقی فرستاد.

نایب الحکومه به تاریخ ۳۰ ماه اپریل ترتیبات دستگیری تعدادی از طرفداران ملک قیس را هم گرفت³. در هفته اول ماه می تعداد زیادی از خانواده های خوگیانی از ترس عملیات بیشتر قوای نظامی به کوه ها فرار نمودند. در همین دوران تعدادی از سران قومی شینواری و خوگیانی در نزدیکی های وزیریه جرگه نموده و تصمیم گرفتند در صورت تجاوز حکومت از اقوام دیگر طالب کمک شوند⁴.

صدراعظم امر کوتاه قلبی (حبس تجریدی) ملک قیس و ضبط لاری های ترانسپورتهای ایکه به نام او راجستر شده بود، را صادر نمود. به تعقیب آن تعدادی از ملکان معروف جبار خیل حصارک و ملکان خوگیانی «نیمله» نیز دستگیر شدند⁵.

1 . جلد دوم خاطرات، ص ۴۷۷.

2 . همانجا، ۴۷۶.

3 . راپو شماره ۱۸، مؤرخ پنجم ماه می

4 . راپور شماره ۱۹، مؤرخ ۱۲ ماه می

5 . راپور شماره ۲۰، مؤرخ ۱۹ ماه می استخبارات انگلیس

سفارت انگلیس ها در کابل گزارش داده است که سردار شاه محمود خان، وزیر حربیه و تعدادی از مامورین عالیرتبه دیگر با این دستگیری ملک قیس موافقت نداشتند. در عین حال صدراعظم هاشم خان با تعدادی از اعضای جمعیت العلماء ملاقات نموده و از آنها خواسته بود تا با احتیاط تبلیغات مذهبی شانرا آغاز کنند.

گزارش استخباراتی انگلیس ها حاکیست که نایب الحکومه مشرقی به مامورین در شینوار، کنر و لغمان هدایت داده است تا در مناطق شان مواظب پخش تبلیغات راجع به ملک قیس باشند. در همین گزارش آمده است که غلام محمد، پسر کاکای ملک قیس، از ملکان معروف «مروره» در کنر خواسته است تا برای تقاضای رهایی ملک قیس جرگه را به کابل بفرستند. خبر دستگیری پسر محمد علم خان شینواری، یکی از سران قومی شینواری و تعداد دیگری هم گزارش داده شده است.⁶ همین گزارش ها حاکیست که بعد از دستگیری ملک قیس، احساسات ضد خانواده حاکم در بین اقوام هر دو طرف دریای کنر به مشاهده میرسد.

صدراعظم همچنان بادشاه گل (فضل اکبر معروف به پاچا گل) پسر حاجی صاحب ترنگزی⁷، را به کابل خواست. گزارش استخبارات انگلیس حاکیست که بادشاه گل دوست شخصی و مهمان صدراعظم بوده و به مراتب در رفع تنازعات قومی سمت مشرقی مورد استفاده قرار گرفته است. قابل یادآوریست که پدر بادشاه گل از حامیان و طرفداران جدی غازی امان الله خان بوده و تا آخر حیات در مقابل فتوای کفر مخالفین غازی امان الله خان از آن شاه دفاع مینمود، اما خود پاچا گل از جمله اولین کسانی بود که در پای تلگرامی که از طرف به اصطلاح نمایندگان مردم افغانستان به ممالک متحابه فرستاده شده و در آن تقاضا شده بود که به امان الله خان و یارانش پناهندگی ندهند، امضا نمود. سفير انگلیس در کابل ضمن گزارش محرمانه یک کاپی این تلگرام را با ضمیمه یک مکتوب وزارت خارجه افغانستان فرستاده بود.⁸ مکتوب وزارت خارجه افغانستان تقاضای ارسال تلگرام فوق الذکر را در بر میگرفت. درین مکتوب بعد از اشاره به مصاحبه غازی امان الله خان با نماینده رویتز آمده بود که «از آنجائیکه افغانها امان الله را دشمن دین، اخلاق و ناموس کشورشان میدانند، تمام نمایندگان ملت که بمناسبت شهادت اعلیحضرت محمد نادرشاه از تمام نقاط افغانستان برای اظهار تعزیت، و بیعت به اعلیحضرت محمد ظاهر شاه در پایتخت گرد آمده اند، بعد از آنکه از این عمل امان الله مطلع شدند، یک مجلس عام را دائر نموده و به نمایندگی از تمام ملت این تلگرام را تحریر و امضا نموده اند»⁹.

6. راپور شماره ۲۲، مؤرخ ۲ ماه جون استخبارات انگلیس

7. سید فضل واحد که بعداً به نام حاجی صاحب ترنگزی مشهور شد یکی از شخصیت های سیاسی و مبارزین نامی ضد استعمار انگلیس در سرحد آزاد بود. وی در سال ۱۸۵۸ میلادی در "نوی کلی" (قریه جدید) منطقه معروف ترنگزی مربوط به چارسده پشاور دیده به دنیا گشود. در سن ۳۲ سالگی در دوران بازدید از مدرسه جدیدالتاسیس دیوبند با شیخ الهند مولانا محمودالحسن ملاقات نمود. با آغاز جنگ اول جهانی و شامل شدن انگلیس ها در جنگ، وقتی تحریک خلافت و مبارزات آزادی خواهی باشندگان ایالت شمال غربی (پختونخوا) شدت گرفت، انگلیس ها با ترسی که از نفوذ حاجی صاحب ترنگزی داشتند امر بازداشت او را صادر نمودند. حاجی صاحب ازین پلان آنها اطلاع یافته با سه پسر و یک عده از دوستانش به منطقه مهمند هجرت کرد و انگلیس ها هم برسم انتقام دارای اش را ضبط نمودند. مسکن حاجی صاحب ترنگزی در نزدیکی "سور کمر" مهمند بزودی به مرکز مجاهدین ضد انگلیس تبدیل شد و به نام "غازی آباد" شهرت یافت. حاجی صاحب ترنگزی در دوران جنگ سوم افغان و انگلیس در مناطق "شبقدر" و "پکه" علیه انگلیس ها جنگید. حاجی صاحب ترنگزی به تاریخ ۱۴ دسمبر سال ۱۹۳۷ فوت نموده در مسجد غازی آباد به خاک سپرده شد.

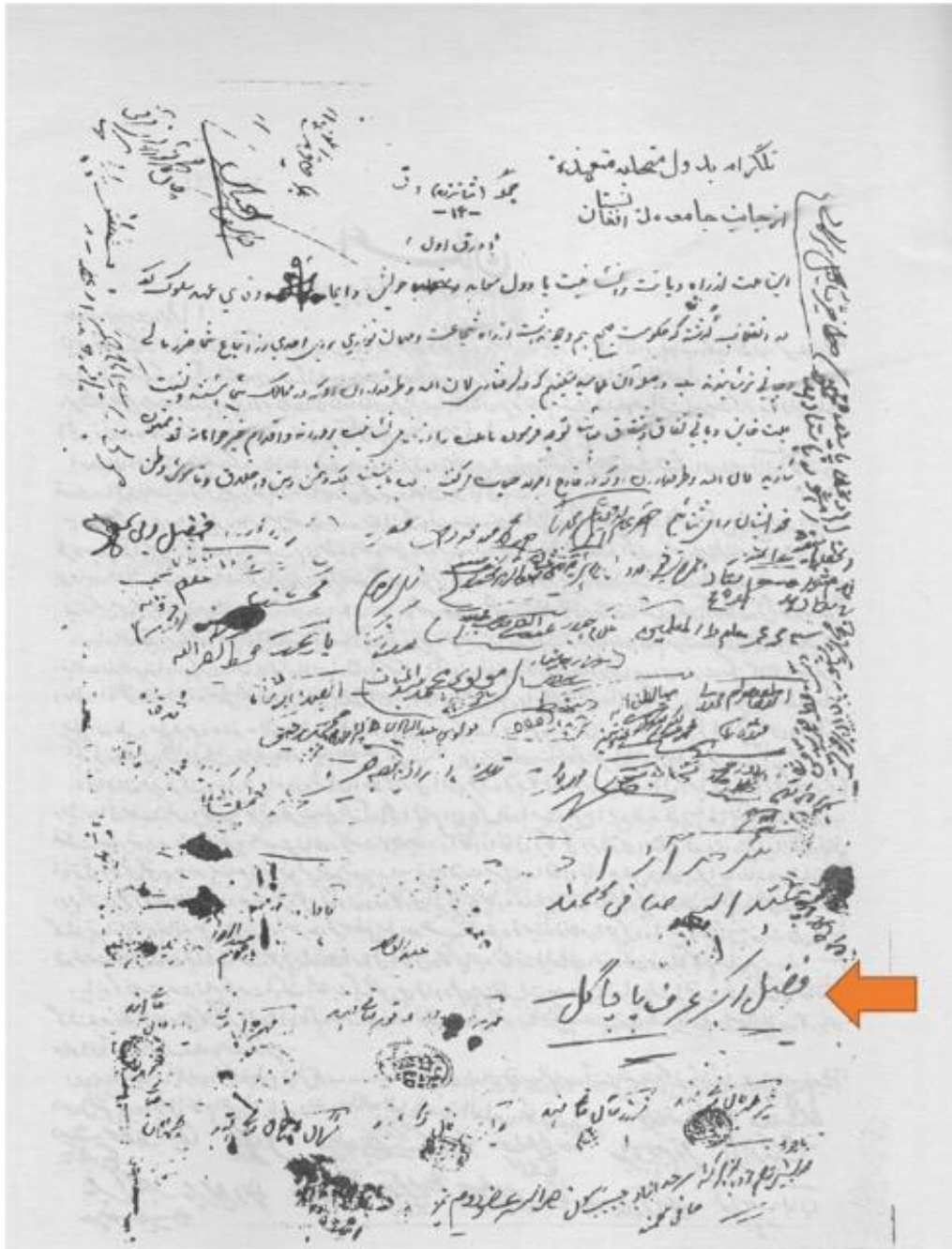
8. مکتوب شماره ۶۷۵۸ مؤرخ دوم جنوری ۱۹۳۴.

9. همانجا.

د پانو شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی



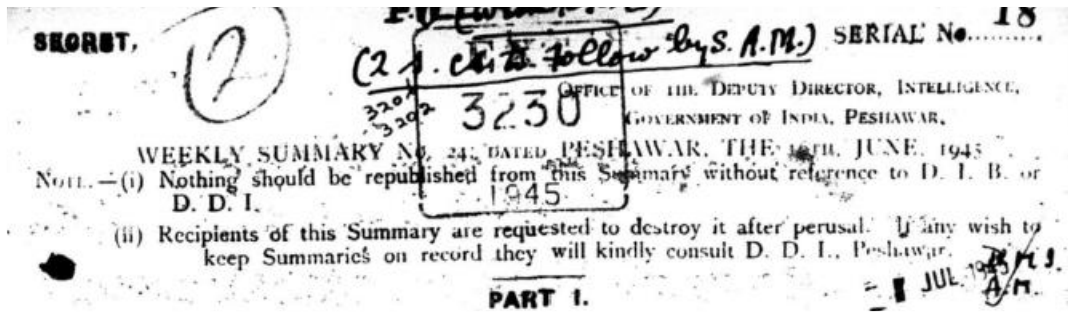
تلگرامی که از طرف به اصطلاح نمایندگان مردم افغانستان به ممالک متحابه فرستاده شده و در آن تقاضا شده بود که به امان الله خان و یارانش پناهندگی ندهند

د پانو شمیره: له 5 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

حکومت پلان آماده گی سرکوب مسلحانه مردم گنر را بعد از آن گرفت که نتوانست سران قوم صافی را مثل ملک قیس و سران دیگر قومی سمت مشرقی اول برای مذاکره دعوت و بعد از آن دستگیر کند. گزارش انگلیس ها میرساند که عبدالله خان وردک نائب الحکومه مشرقی از سران معروف قومی صافی به شمول سلطان محمد خان صافی از دره پیچ دعوت نمود تا در جلال آباد با او ملاقات نمایند. اما آنها از اینکه مثل ملک قیس به دام نه افتند، دعوت آمدن به جلال آباد را رد نمودند¹⁰.

نائب الحکومه بعد از آن با حاکم کلان گنر و اسمار در ماماخیل ملاقات نموده از او خواست با استفاده از تمام امکانات ملک های صافی مخصوصاً میرسلام خان و ماموند خان دره دوه گل را وادار کند، به جلال آباد بیایند.



15. Reference Weekly Summary No. 23 of 1945, paragraph 10. No Safi *maliks* of importance have as yet visited Jalalabad in response to the Governor's summons. The Governor interviewed the Hakim-i-Kalan of Kunar and Asmar in this connexion at Mama Khel recently, and told him to make every effort to induce the *maliks*, particularly Mir Salam Khan and Mamund Khan of Dara-i-Dewa Gul to come in.

19. Said Abbas, Badshah (W. W. 3) of Islampur, has recently received an invitation from the Premier to visit Kabul. He has not yet decided whether to accept the invitation as he suspects that he will be kept under surveillance in Kabul as his brother, Baba Jan (W. W. 222) is at present.

10 . راپور شماره ۲۴، مؤرخ ۱۶ جون استخبارات انگلیس

د پانو شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

همین گزارش حاکیست که سید عباس پاچای اسلامپور درین اواخر دعوتنامه را از صدراعظم دریافت نموده است تا از کابل بازدید کند. او تا حال در رابطه با قبولی این دعوت تصمیمی نگرفته است، چون مشکوک است مثل برادرش، بابا جان [پاچا] ، در کابل تحت نظارت باقی نماند.

بعد ازین بود که خاندان حاکم تصمیم سرکوب مسلحانه مردم کُنر را گرفت، سرکوبی که به مقاومت و قیام صافی ها انجامید.

اولین اقدام صدراعظم درین رابطه ملاقات با غلام یحیی خان وزیر صحیه بود. از او خواسته شد تا برای حالت اضطراری تدابیر آماده گی مامورین صحی را بگیرد.

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ